

بازشناسی مؤلفه های هویتی مسکن سنتی بر اساس آیات قرآن و روایات ائمه معصومین*

هانیه اخوت*: دکترای معماری، گروه معماری، دانشگاه تربیت مدرس

دوفصلنامه تخصصی پژوهشهای میان رشته‌ای قرآن کریم
سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۸۶ - ۶۷
تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۹/۱۴
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۱/۱۶

چکیده

مسکن سنتی همواره بر اساس عقاید مذهبی ساکنین آن خلق می‌شد و معمار سنتی تا حد امکان به اصول، قواعد و روش‌های احداث خانه در آیات و احادیث توجه می‌نمود و لذا اثری که خلق می‌کرد بر مبنای آن الگوها شکل می‌گرفت و همواره روح دینی در مسکن سنتی جریان می‌یافت. بر این اساس این مقاله در راستای پاسخگویی به سوال و تأیید فرضیه زیر شکل گرفته است.

سؤال: مؤلفه های هویت اسلامی در مسکن سنتی چیست و چه رابطه‌ای با یکدیگر دارند؟
فرضیه: بر اساس آیات قرآن و روایات معصومین (به طور مستقیم و غیر مستقیم) در باره مسکن و محل زندگی، الگوهای هویت اسلامی مشخص و رابطه میان آنها بر اساس بازشناسی مؤلفه های هویت اسلامی دریافت می‌شود.

روش تحقیق از نوع تاریخی و توصیفی - تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای با مطالعه اسناد سخت و نرم و نیز مطالعه میدانی می‌باشد. همچنین در بخشی از پژوهش از مطالعه میدانی به روش مصاحبه نیمه سازمان یافته بهره‌گیری شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد هویت دینی مسکن سنتی در ۳ مؤلفه پیوند ساختاری، پیوند محیطی و پیوند معنایی قابل دسته‌بندی است که این سه با یکدیگر همپوشانی داشته و تفکیک ناپذیرند؛ بدین معنا که الگوهای هویت دینی ابتدا در ساختار شکل می‌گیرند، سپس در محیط قوام می‌یابند و در نهایت با پیوندهای معنایی متعالی می‌گردند. در انتهای مقاله نیز راهبردهای بازآفرینی هویت اسلامی در مسکن معاصر بر اساس مؤلفه های هویتی دریافتی از مسکن سنتی بیان می‌گردد.

کلید واژه ها: هویت اسلامی، آیات قرآن، روایات ائمه، مسکن سنتی، مؤلفه.

* این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی با عنوان «بازآفرینی هویت اسلامی در مسکن معاصر ایران» می‌باشد که با حمایت صندوق حمایت از پژوهشگران کشور، معاونت علمی و فناوری در دست انجام است.

۱- مقدمه

در دوران سنتی هنرمند مسلمان دست به آفرینش فضایی می‌زد که با روح و جان او سازگاری داشت و بنابراین به بهترین شکل در مسکن او که محل آرامش و سکون بود، تبلور می‌یافت. در حقیقت معماری سنتی با بهره‌گیری از هویت دینی-ایمانی که محدود به زمان و مکان خاصی نبود، فضایی را خلق می‌کرد که بازتاب اندیشه‌های دینی خویش بود و به نیازهای درونی افرادی که در آنجا زندگی می‌کردند، توجه می‌کرد. لذا مسکن سنتی از دو جنبه کالبدی و مفهومی قابل بررسی است. از بعد کالبدی یک سرپناه است و بایستی نیازهای اولیه انسان معنوی را در سایه دین و ارزشهای آن برآورده سازد و از بعد مفهومی هنگامی است که انسان نیازش فراتر از یک سرپناه می‌رود و به عنوان مکانی که در راه رسیدن به فطرت پاک درونی به او کمک کند، مطرح می‌گردد. به عبارت دیگر دین رفتار انسان را بر اساس نیازهای فیزیکی و فطری او تحت تأثیر قرار می‌دهد و بنابراین بر جسم و روح مسکن او هم تأثیرگذار است. لذا این مسکن در کالبد و مفهوم و محتوا باید دارای ویژگی‌های هماهنگ با ویژگی‌های فطری انسان باشد تا بتواند او را به آرامش قلبی برساند که این ویژگی‌های فطری برای انسان مسلمان، همان اصول و ابعاد مطرح در دین اسلام می‌باشد. در این مقاله با بهره‌گیری از آیات قرآن و روایات ائمه معصومین در زمینه محل زندگی و مسکن، الگوهای هویت اسلامی متجلی در مسکن سنتی از دو جنبه کالبدی و مفهومی بازشناسی و سپس مؤلفه‌های هویت اسلامی مسکن سنتی و رابطه میان آنها سنجیده می‌شود.

۱-۱- روش تحقیق

روش پژوهش از نوع تاریخی و توصیفی-تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای با مطالعه اسناد سخت و نرم و نیز مطالعه میدانی با مشاهده است. همچنین در بخشی از پژوهش از مطالعه میدانی به روش مصاحبه نیمه‌سازمان یافته بهره‌گیری شده و به منظور نیل به نتایج دقیق‌تر و دریافت مؤلفه‌های هویت دینی، مصاحبه نیمه‌سازمان یافته با ۵ نفر از اساتید معماری اسلامی صورت گرفته و روش کار بدین صورت بوده که ابتدا مصاحبه حضوری با ۲ نفر از اساتید برجسته معماری اسلامی انجام شده و مطالب بیان شده توسط آنها با الگوهای هویت اسلامی موجود در این رساله مقایسه و مورد سنجش قرار گرفته است. پس از تحلیل و ارزیابی، ۱۱ الگوی دریافتی در ۳ مؤلفه تقسیم‌بندی گردیده که این مؤلفه‌ها توسط نگارنده بر اساس دسته‌بندی موضوعی و محتوایی در مقوله‌های پیوندهای ذهنی، پیوندهای ساختاری و پیوندهای محیطی طبقه‌بندی گردیده‌اند. سپس برای امتحان و اطمینان از مناسب بودن مؤلفه‌ها، با ۳ نفر از اساتید و نظریه‌پردازان حوزه الهیات نیز صحبت شده و نتیجه نهایی با تغییرات جزئی در عناوین مؤلفه‌ها (تبدیل پیوند ذهنی به پیوند معنایی) و به شکلی دقیق‌تر حاصل گردیده است.

۲- هویت اسلامی در آثار معماری

درباره هویت اسلامی محیط مصنوع در معماری نظریه‌های مختلفی بیان گردیده است. برخی از معماران، بنیاد هویت اسلامی را در شناختی می‌دانند که از انسان و هستی و ارتباط بین آن‌ها به دست می‌آید. از نظر آن‌ها اسلام این مسئله را در دو ساحت بینشی و ارزشی مطرح می‌سازد. از یک سو تعریف ویژه‌ای از هستی و جایگاه و هدف انسان ارائه می‌دهد و از سوی دیگر برای جملگی امور زندگانی فردی و اجتماعی قواعد ویژه‌ای وضع می‌نماید. در این میان ارتباط انسان با خود، ارتباط انسان با دیگران، ارتباط انسان با طبیعت و ارتباط انسان با خداوند از راه‌های نیل به هدف تعالی و تکامل انسان است (حجت، ۱۳۷۸: ۵). در آثار معماری دوره اسلامی ایران نیز هم انعکاس اصول اعتقادات اسلامی و هم انعکاس احکام شرعی ملاحظه می‌گردد. در حقیقت عدم توجه به هویتی معنوی و دینی در معماری معاصر سبب ایجاد بحران انسانیت گردیده است. به معنای دیگر دین یا همان مبنای جهان‌بینی انسان تعریف‌کننده طبیعت و رابطه انسان با طبیعت، موثر بر شکل‌گیری کالبد آثار انسانی، شکل‌دهنده فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی، تعریف‌کننده عملکردهای غالب محیط زندگی و موثر بر سیر تاریخ یک ملت است و به این ترتیب ضمن آنکه می‌توان از هویت دینی به‌عنوان مرتبه‌ای از هویت نام برد، باید توجه کرد که سایر انواع هویت نیز از هویت دینی که نمایشگر تفکر و جهان‌بینی جامعه است، تأثیر می‌پذیرد. هرچند تفکر و جهان‌بینی جامعه در دوران سنتی و دوران مدرن با یکدیگر تفاوت دارد. برای مثال در نگاه سنتی انسان در جهانی زندگی می‌کند که فقط یک مبدا و مرکز دارد. او نسبت به آن در آگاهی کامل به سر می‌برد. مبدایی که مشتمل بر کمال، پاکی، و تمامیتی است که بشر سنتی می‌خواهد در جستجوی آن برود، آن را دوباره به دست آورد و انتقال دهد. او روی دایره‌های زندگی می‌کند که پیوسته از آن مرکز با خبر است و در زندگی، اعمال و اندیشه‌هایش رو به سوی آن مرکز دارد (نصر، ۱۳۸۰: ۱۳۳). از طرفی دیگر در تفکر مدرن، بودن انسان در این جهان برهه‌ای است میان تولد و مرگ و هیچ‌گونه غایت و فرجام و وعده و برگشتی خارج از این جهان برای او متصور نیست. انسان مخلوق این جهان است. او بر زمین احساس می‌کند که در وطن است؛ وی زمین را نه طبیعت بکری که انعکاس عالم مینوی، بلکه آن را دنیای مصنوعی می‌داند که توسط انسان پرومته‌ای خلق شده تا در آن بتواند خدا و حقیقت باطنی خویش را فراموش سازد. چنین فردی زندگی را یک فروشگاه بزرگ می‌داند که او در آن آزاد است تا پرسه بزند و هرچه را می‌پسندد انتخاب کند (همان: ۱۳۴).

هویت برای انسان سنتی باوری است که به مدد ایمان به غیب شکل می‌گیرد و سازنده و پردازنده پندار، کردار و رفتار اوست. در حالی که انسان مدرن خود به مدد خویش، هویتش را می‌سازد. هویت در جامعه سنتی واحد و الهی و در جامعه مدرن متکثر و اکتسابی است. به بیانی دیگر در نگاه سنتی هویت انسان مقدم بر وجود اوست و در نگاه مدرن وجود انسان مقدم بر هویت او می‌باشد (حجت، ۱۳۸۴: ۵۸). برای بازشناسی هویت دینی در مصادیق معماری از جمله معماری مسکن نیاز است که سرچشمه‌هایی که پدیدآورنده این هویت هستند و باید باشند، بررسی و تحلیل شوند. از این رو ابتدا این پرسش مطرح می‌گردد که «مؤلفه های هویت اسلامی در مسکن سنتی چیست و چه رابطه ای با یکدیگر دارند؟» که

این هویت در پاسخ به دو پرسش زیر تعریف می‌شود:

۱- آموزه‌ها و حکمت عملی دین (با تأکید بر دین اسلام) چه اصول و ویژگی‌هایی را برای فضای زیست فرد برمی‌شمرد؟

۲- معماری دینی چه تجربه‌ها و دستاوردهایی در این زمینه داشته است؟
پاسخ پرسش نخست را می‌توان از این منابع دریافت کرد:

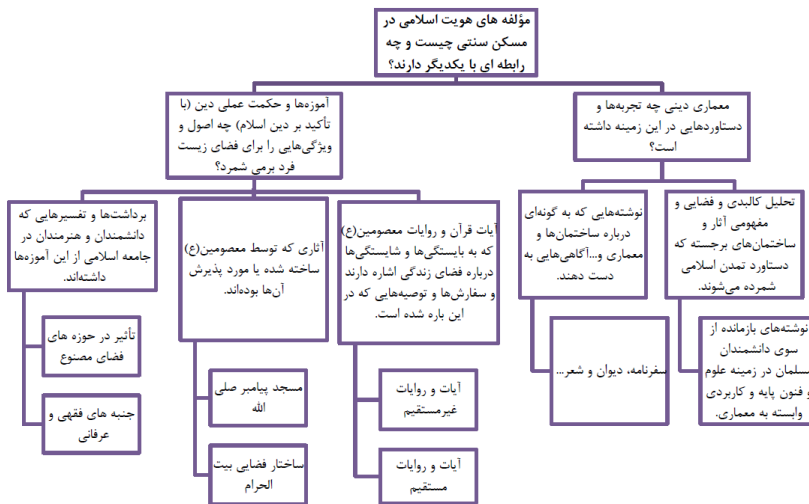
(الف) آیات قرآن و روایات معصومین (ع) که به گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم به بایستگی‌ها و شایستگی‌ها درباره فضای زندگی اشاره دارند و سفارش‌ها و توصیه‌هایی که در این باره شده است.

(ب) آثاری که توسط معصومین (ع) ساخته شده یا مورد پذیرش آن‌ها بوده‌اند.

(ج) برداشت‌ها و تفسیرهایی که دانشمندان و هنرمندان در جامعه اسلامی از این آموزه‌ها داشته‌اند. این برداشت‌ها به گونه‌ای گسترده در همه حوزه‌های حکمت در برگیرنده فقه، کلام، عرفان و ادبیات و حوزه‌های وابسته نمود یافته است. و پاسخ پرسش دوم را به ترتیب در سرچشمه‌های زیر باید جست:

(الف) تحلیل کالبدی و فضایی و مفهومی آثار و ساختمان‌های برجسته که دستاورد تمدن اسلامی شمرده می‌شوند. نوشته‌های بازمانده از سوی دانشمندان مسلمان در زمینه علوم و فنون پایه و کاربردی وابسته به معماری.

(ب) نوشته‌هایی که به گونه‌ای درباره ساختمان‌ها و معماری و... آگاهی‌هایی به دست دهند. مانند سفرنامه، دیوان و شعر... (نقره کار، ۱۳۸۷: ۴۸۶). نمودار زیر به وضوح روند بازشناسی مؤلفه‌های هویت اسلامی را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است در این مقاله الگوی بازشناسی هویت اسلامی در مسکن بر مبنای شناخت آیات و روایات مستقیم و غیرمستقیم و برداشت‌ها و تفاسیر آن‌ها قرار گرفته است؛ بدیهی است آثاری که از سوی معصومین ساخته شده‌اند، به دلیل ماهیت و کاربرد آن که مسجد است و ارتباطات فضایی متفاوتی با معماری مسکن دارد، مد نظر این پژوهش نمی‌باشد.



نمودار (۱) روند بازشناسی مؤلفه های هویت اسلامی و رابطه آنها در مسکن سنتی، مأخذ: نگارنده

۳- دریافت الگوهای کالبدی و مفهومی هویت اسلامی

برای دریافت این الگوها، موارد مطرح شده در نمودار ۱ مورد توجه قرار می‌گیرد. در این نمودار بررسی مستقیم و غیرمستقیم آیات قرآنی و روایات مطرح شده در زمینه خانه و مسکن و سپس تفسیر، استنباط و برداشت‌ها با در نظرگیری جنبه‌های فقهی و عرفانی آنها، می‌تواند برای دریافت ابعاد هویت اسلامی موجود در خانه‌های سنتی ایران راهگشا باشد. جداول زیر بر این مبنا شکل گرفته‌اند و موردی که در نهایت در انتهای هر ردیف جدول تحت عنوان «نحوه تبلور در مسکن» ذکر شده، الگویی برای بررسی هویت اسلامی در مسکن می‌گردد.

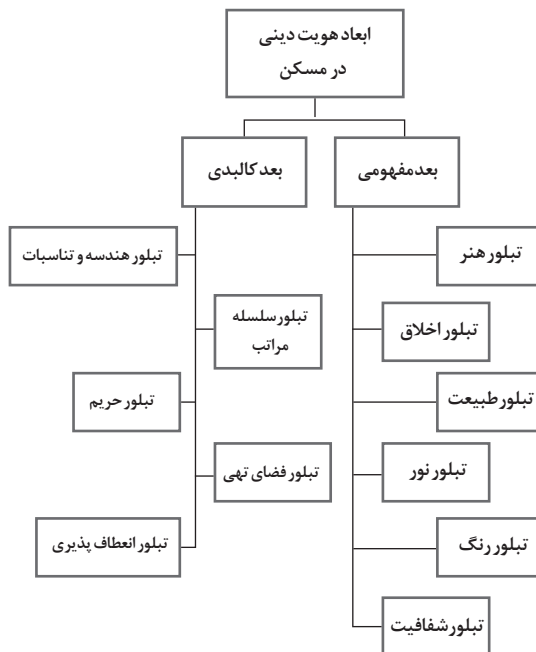
		تجوید تالیف در مسکن	استنباط	تفسیر	احادیث مربوطه	منشأ حدیث	ایه قرآنی	نشأ ایه	کتاب: التفسیر فی التوحید، المجلد ۱، ص ۲۸	
		سوره نحل، آیه ۶۸	خانه باید مانند یک اثر هنری با رعایت ضوابط خاص مانند موجودی متغیر از فضای بیرون باشد و محل آرایش افراد گردد و به مانند نمونه کوچکی از خانه جهان ظاهر شود که خالق آن آفریدگار بختناست.	به کمال رساندن هنر دینی به وسیله بهره‌گیری از تعلیم الهی برای خلق خدشاهی دقیق با ظرافت هنری خاص که به مانند جهان آفرینش برای رفیع نیازهای انمی میپردازد.	اگر با اندیشه و خرد در کار عالم، نیک و عمیق تأمل کنی هر آینه آن را چون خانه و سرای می‌بانی که تمام نیازهای بینندگان خدا در آن آماده و گرد آمده است. آسمان همانند سقف بلند گردانیده شده زمین بسط فرش گسترانیده شده ستارگان چون چراغهایی چشمه شده و گویها همانند ذخیره‌هایی در آن نهفته شده و همه چیز در جای شایسته خود چیده شده است. آدمی نیز چون کسی است که این خانه را به او دادند و همه چیز آن را بر اختیارش پنهانند همه بیخ گیاه و حیوان برای رفیع نیاز و صرف در مصالح او در آن مهیاست.	شگفتی‌های آفرینش ترجمه توحید مفضل، ص ۱۴۶ از امام صادق (ع) در حدیثی که از پاره‌های کوهها و برخی درختان و از آنچه در است او چشمتاری می‌کنند خانه‌هایی برای خود درست کن.	سوره نحل، آیه ۶۸	سوره نحل، آیه ۶۸		
		سوره نحل، آیه ۱۸۰	خانه باید در اوج فضیلت کمال و هنر یادآور اسماء الله باشد.	بهره‌گیری از زیبایی ذاتی در خلق هنر و ایجاد خدشاهی روحی و معنوی	خوشبختی مرد دانشمند چیز است. دانشند همسری خوب، دانشند مرکب خوب (مسیبیه حمل و نقل) و دانشند خانه خوب و فراخ.	بخارا، آثار، جلد ۲۳، ص ۱۵۱ از پیغمبر اکرم (ص)	سوره نحل، آیه ۱۸۰	سوره نحل، آیه ۱۸۰		
		سوره نحل، آیه ۳۱	خانه باید بر اساس باورها و اصول اخلاقی پذیرفته شده شکل گیرد که از مهم‌ترین این اصول بهره‌گیری از نبودگی و رعایت اعتدال است.	وابستگی به اصول اخلاقی مانند بهره‌گیری از رفیع خردمندی و تقابل و اسراف در خدشسازی	هرکس به اندازهای که او را تکلیف می‌کند، قناعت کند به آسایش و نظم می‌رسد و در آسودگی و رفاه منزل می‌گیرد.	نیچ‌النازه، حکمت، ۳۷۱، از حضرت علی (ع)	سوره نحل، آیه ۳۱	سوره نحل، آیه ۳۱		
		سوره نحل، آیه ۲۹	در راستای رعایت احترام و مردم‌داری با بستن جایگاه مهمان مشخص و مجزا از سایر فضاهای خانه باشد و شرایط آسایش مهمان در خانه فراهم آورده شود.	هر خانه‌ای که میهمان بر آن وارد نشود، فرشته‌نگان وارش نمی‌شوند.	بخارا، آثار، ج ۷۶، ص ۱۱۰، روایت مهم از امام صادق (ع)	جمع‌الاجل، ص ۳۷۸ از پیغمبر اکرم (ص)	سوره نحل، آیه ۲۹	سوره نحل، آیه ۲۹		
		سوره نحل، آیه ۸۰	چنانچه خانه با مواد و مصالح بوم‌آورد و در محل ساخته شود، علاوه بر سهولت در حفظ و نگهداری آن با شرایط اقلیم منطقه سازگاری بیشتری دارد و در هزینه‌ها نیز صرفه‌جویی می‌گردد.	هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید میهمانش را اگر می‌داند.	کافی، ج ۶، ص ۲۸۵، ج ۱ از پیغمبر اکرم (ص)	مشکاة الآثار، ترجمه هوشمند و محمدی، ص ۶۷ از پیغمبر اکرم (ص)	سوره نحل، آیه ۸۰	سوره نحل، آیه ۸۰		

نحوه تباير بر مسکن	استنباط	تفسیر	احاديث مربوطه	نشانی حديث	ایه قرآنی	نشانی آیه
	ايجاد استحکام و بهره‌گيري از تبايرش برای ايجاد ختلاي محکم. به بيروي از قوانين هيرمنانه طبيعت پيرامون	بيروي انسان از خدای خود در ساخت بنايي مستحکم و افرينش هنر چارولنه	رفيع مانند سقف اين خانه است و زمين وسيع مانند بساطي است که برای ايشان گسترانيدند و ستاره‌ها آني که به حسن انتظام بر هم چيده‌اند مانند چراغها است که بر اين طاق مقررش آويختند و جواهر که در چنار و تالاب مخزون است مانند دخيرها است که برای ايشان مهيا ساختند. و هر چيزی را برای مصلحتی قرار داده. و انسان به منزله کسی است که اين خانه را به او بخشيدند و آنچه در آن هست به او واگذاشتند و انواع نباتات را برای او مقرر داشتند و انواع حيوانات را به جهت مصالح او افريدند.	تحف العقول ترجمه حسن زاده ص 15، سفارش پيامبر (ص) به حضرت علي (ع)	هر چيزی را در شمال اقلان و استحکام ساخته است.	سوره نمل، آيه ۸۸
	تباير درون گرايی در خانه‌های سنتی که خانه را همچون بنايگاهی محکم در برابر عوامل بيرونی محافظت کرده و به حریم خصوصی آدميان احترام می‌گذارد	ايجاد خانه به‌عنوان بناگاه برای حفظ حریم خصوصی انسان‌ها	اي علي! سه چيز نجلت بخش است: نگهداري از زينت، گريه و زاري بر لغزش هليت و خلمات را بناگاه‌ها خود ساختن.	تحف العقول ترجمه حسن زاده ص 15، سفارش پيامبر (ص) به حضرت علي (ع)	ای کسانی که ایمان آورده اید، به خانه‌های غیر از خانه خودتان وارد نشوید تا زمانی که اجازه گرفته باشید، و به افراد منزل سلام کرده باشید، و اگر کسی در منزل نیاید وارد نشوید تا زمانی که اجازه یابید. اگر از شما خواستند که بازگردید پس داخل نشوید، که این کار باعث اخلاص بیشتر می‌نماید و خدا اگاه است که شما چه می‌کنید.	سوره نور، آيه ۲۷ و ۲۸
	ارتباط آزاد و مستقل با طبيعت در فضای خصوصی خانه و برخورداری هر خانه از فضای سرباز و طبیعی حیات	توجه به طبيعت و سرسبزی در خانه که مراتب شادایی و آرامش افراد را فراهم می‌کند	نگاه کردن به سبزه، موجب شادایی است.	توجه حضرت علي عليه السلام حکمت 400 از	ای نایبهای که خدا از آسمان، آبی فرو فرستاد و زمین سرسبز گردید (ری خداست که دقیق و آگاه است.	سوره حج، آيه ۶۴
	احداث خانه در محلي خوش آب و هوا و در زمين منسكب که انسانان آدمي تاملن گرند.	زندگی مناسب در راستای بهره‌گيري بهينه از نعمت‌های خداوند و مظاهر طبيعت حاصل می‌گردد.	زندگی جز با سه چيز خوش نمی‌نماید: هوای پاک، آب فراوان و گوارا و زمين نرم و سست (امام زراعت).	تحف العقول، ص 320 از امام صادق عليه السلام	و به یاد آورید هنگامی را که شما را پس از افروم عاف جاشينان [آنان] گردانید و در زمين به شما جای [مناسب] داد در دشتهاى آن ايرای خود! کاخهاى اختيار می‌گردید و از کوهها خانه‌هاى می‌پراشيديد. پس نعمتهاى خدا را به یاد آورید و در زمين سر به فساد برمه‌داريد.	سوره اعراف، آيه ۷۴

نشانی آیه	آیه قرآنی	نشانی حدیث	احادیث مربوطه	تفسیر	استنباط	نحوه تفسیر در مسکن
سوره زمر، آیه ۲۰	لیکن کسانی که از پروردگارش بپروا داشتند برای ایشان توفقهایی است که بلائی آن‌ها غرقه‌هایی دیگری بنا شده است. بپروا از پروردگارتان است و عده خداست خدا خلاق و عده نمی‌کند.	مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۲۷. از حضرت علی علیه السلام	خانه را شرافتی است. شرافت خانه به وسعت حیاط (قسمت جلوی خانه) و هم نشیمن خوب است و خانه را برکتی است، برکت خانه جایگاه خوب آن، وسعت محوطه آن و همسایگان خوب آن است.	طبق آیت قرآن در غرقه‌های بهشتی گسترده‌گی دید به صورت غرقه‌هایی در بالای یکدیگر که از زیر آن‌ها آب جاری است و وجود دارد در احادیث نیز به اهمیت وسعت حیاط و فضای خالی در خانه اشاره شده است.	بهرگیری هنرمندانه از نور، گسترده‌گی دید، تقویت حیاط مرکزی و کاهش از چرم و توده ساختمان از مواردی است که تملها در خانه‌های سنتی نمود می‌یابد.	
سوره یونس آیه ۸۷	ایه موسی و برادرش هارون که در کوهی بودند گفتند: «ای خداوند ما را از این کوه نجات ده» و بر مومنین نازل شد.	مکتوبات آفرینش، ترجمه توحید مفضل ص ۲۴۶. از امام صادق علیه السلام	چنان هستی با اندامی زینتی و فنی و حکیمانه و نظم و تناسب و هماهنگی آفریده شده. آفریننده آن یکی و او همان شکل ده، نظم آفرین و هماهنگ کننده اجزای آن است. برآستی که او در قدسین جلیل و در کارش بلند مرتبه و وجهش کریم است. خدای عز و اولیست و از آنچه متکرران می‌پندارند میزه و از آنچه ملحقان به او نسبت می‌دهند برتر و جلیلیتر است.	اساس صلاح و حکمت همان صفت تقدیر و تناسب با فعل خارجی است مانند منهنس که نظر اساسی بر صحت تقدیر و اندازه‌گیری خواهد داشت و در مرحله تقدیر حسن تدبیر و انتقال نظام پایه‌گذاری می‌شود.	همان طور که در قرآن اشاره شده نحوه جهت‌گیری خانه باستانی به سمت قبله باشد، همچنین رعایت هندسه و تناسبات دیگر به تبعیت از نظام هماهنگ آفرینش امری ضروری است.	هندسه
سوره طلاق، آیه ۳	خدا برای هر چیزی اندازه‌ای معین قرار داده است.	توحید مفضل، ترجمه علامه مجلسی، ص ۸۳. از امام صادق (ع)	ایا نمی‌بینی که از نیکویی تقدیر خانه که آدمی بنا می‌کند آن است که نیت الهی در پنهان‌ترین جاهای خانه باشد.	تقدیر به معنای اندازه‌گیری و تعیین تمامی مخلوقات در ظرف و وجه خاص است. زیرا هندسه در اسلام، به دلیل پیوند تنگاتنگی که با مفهوم «قدر» در قرآن دارد، خود نوعی بازآفرینی تقدیر و تعیین الهی در معماری است.	تقدیر به معنای اندازه‌گیری و تعیین تمامی مخلوقات در ظرف و وجه خاص است. زیرا هندسه در اسلام، به دلیل پیوند تنگاتنگی که با مفهوم «قدر» در قرآن دارد، خود نوعی بازآفرینی تقدیر و تعیین الهی در معماری است.	هندسه
سوره قمر، آیه ۱۲	و شکافتیم زمین را به چشمه‌هایی، پس آب آسمان و زمین به هم رسیدند، به نحوی که تقدیر شده بود بدون زیادت و نقصان.	دینوری، این تفسیر عیون الاخبار، ص ۱۵۴. از امام رضا (ع) در خطاب به یونس بن عدال حسن	ایا می‌دانی که قدر چیست؟ یونس پاسخ داد، نه، حضرت می‌فرماید: قدر همان هندسه و مرتبندی است، مانند مقدار بقا و زمان فنا.	تقدیر به معنای اندازه‌گیری و تعیین تمامی مخلوقات در ظرف و وجه خاص است. زیرا هندسه در اسلام، به دلیل پیوند تنگاتنگی که با مفهوم «قدر» در قرآن دارد، خود نوعی بازآفرینی تقدیر و تعیین الهی در معماری است.	تقدیر به معنای اندازه‌گیری و تعیین تمامی مخلوقات در ظرف و وجه خاص است. زیرا هندسه در اسلام، به دلیل پیوند تنگاتنگی که با مفهوم «قدر» در قرآن دارد، خود نوعی بازآفرینی تقدیر و تعیین الهی در معماری است.	هندسه

۱- البته «قدر» در قرآن معنای وسیع و گسترده دیگری دارد که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود: الف) علمای لغت آن را در ابتدا قدرت، معنا کرده اند: «القدره انا وصف بها الانسان» و دلیل قرآنی آن را آیتانی دانسته‌اند که خداوند را قدری معرفی کنند: «ان الله علی کل شیء قدير» ب) قدر به معنای تنگ گرفتن که نقطه مقابل بسط و توسعه است: «الله یبسط الرزق لمن یشاء و یقصر» خدا رزقی را برای هر کس که بخواهد وسعت داده و یا تنگ می‌گیرد. (رعد ۲۶- ج) قدر به معنای تقدیر، اندازه و اندازه‌گیری است. شاهد مثال این معنا آیات زیر است: «هد جعل الله لكل شیء قدراً» خدا برای هر چیزی اندازه‌ای معین قرار داده است. (طلاق ۳-) «انا كل شیء خلقناه بقدر» (قدر - ۴۹) «وقدرنا الارض عیوناً فالینتی الماء علی امر قد قدر» و شکافتیم زمین را به چشمه‌هایی، پس آب آسمان و زمین به هم رسیدند به نحوی که تقدیر شده بود بدون زیادت و نقصان (قمر ۱۲- ۵) قدر به معنای شأن و منزلت است. یعنی به یک عبارت قدر، تنها بیان کمیت اشیا محسوس نیست بلکه برای معانی غیر محسوس نیز به کار می‌رود و در این راستا به معنای احترام، وقار، عظمت و شأن اجتماعی شخص است. همانند معنای مطرح در آیه «ما قدر الله حق قدره اذ قالوا ما انزل الله علی بشر شیء»

پس از بررسی آیات قرآن و احادیث مربوط به خانه، مسکن و موارد مربوط به آن (چنانکه در جدول فوق بیان گردید)، الگوی هویت اسلامی در ۱۱ مورد دریافت می‌گردد که به منظور دسته‌بندی مطالب، ۶ مورد آن در بعد مفهومی و ۵ مورد آن در بعد کالبدی قرار می‌گیرند. بعد مفهومی شامل تبلور هنر، اخلاق، طبیعت، نور، رنگ و شفافیت و بعد کالبدی شامل تبلور هندسه و تناسبات، سلسله مراتب، حریم، فضای تهی و انعطاف‌پذیری می‌باشد (نمودار ۲).



نمودار ۲: ابعاد هویت اسلامی در مسکن سنتی، مأخذ: نگارنده

۴- مؤلفه های هویت اسلامی در مسکن سنتی

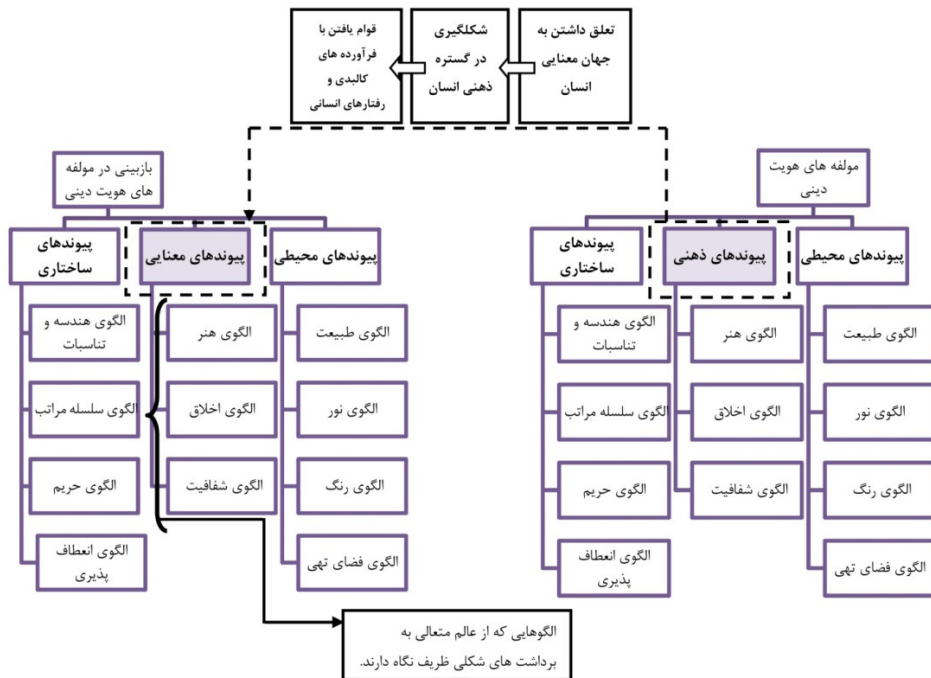
در این مقاله ابتدا الگوهای هویت اسلامی مسکن سنتی بر اساس آیات قرآن و روایات معتبر دریافت گردید؛ هم اکنون برای اثبات فرضیه مورد نظر، دو مرحله مصاحبه انجام شده است؛ به دلیل اهمیت و ظرافت بالای فرضیه سوم و دسته‌بندی گویاتر و اخذ نتیجه‌ای واضح تر برای آن، مصاحبه نیمه سازمان یافته با ۵ نفر از اساتید معماری اسلامی و الهیات صورت گرفته و روش کار بدین صورت بوده که ابتدا با دو نفر از اساتیدی که در زمینه معماری اسلامی فعالیت می‌کنند، مصاحبه شده و مطالب بیان شده توسط آنها با الگوهای هویت اسلامی موجود در این مقاله مقایسه و مورد سنجش قرار گرفته است. پس

از تحلیل و ارزیابی، ۱۱ الگوی دریافتی در ۳ مؤلفه تقسیم‌بندی گردیده که این مؤلفه‌ها توسط نگارنده بر اساس دسته بندی موضوعی و محتوایی در مقوله‌های پیوندهای ذهنی، پیوندهای ساختاری و پیوندهای محیطی طبقه بندی گردیده‌اند. سپس برای امتحان و اطمینان از مناسب بودن مؤلفه‌ها، با ۳ نفر از اساتیدالهیات دیگر نیز صحبت شده و نتیجه نهایی با تغییرات جزئی در عناوین مؤلفه‌ها (تبدیل پیوند ذهنی به پیوند معنایی) و به شکلی دقیق‌تر حاصل گردیده است. نگارنده از مذاکرات انجام شده در مرحله اول مصاحبه چنین نتیجه می‌گیرد که مؤلفه‌های هویت اسلامی در ۳ دسته ساختاری، محیطی و ذهنی دسته بندی می‌شوند و ۱۱ الگو در زیرمجموعه‌های آن واقع می‌گردند. پس از ارزیابی نتایج مصاحبه‌ها در مرحله دوم، مهم‌ترین تغییری که انجام شده، تبدیل «پیوند ذهنی» به «پیوند معنایی» است و دلیل این تغییر مبهم و کلی بودن کلمه «ذهن» در این عبارت می‌باشد. در حقیقت «پیوند ذهنی» به موارد متعددی اشاره می‌کند و حتی پیوند های محیطی و ساختاری را نیز دربر می‌گیرد. و لیکن پیوند معنایی به دلیل اینکه به جهان معنایی انسان تعلق دارد، فراتر از پیوند ذهنی می‌باشد و همین مسئله ویژگی اصلی و بنیادی این پیوند است که پویایی پیوسته‌اش را در طول زمان سبب می‌شود. به بیانی دیگر جهان معنایی در گستره ذهنی و فردی آدمی شکل می‌گیرد و به وسیله فرآورده‌های کالبدی و رفتارهای انسانی قوام می‌یابد (فلامکی، ۱۳۸۱: ۳۸۱). بنابراین این پیوندها جامع‌تر از پیوندهای ذهنی می‌باشند و می‌توانند به عنوان گزینه بهتر و گویاتری مطرح شوند. همچنین مواردی مانند آفرینش هنر، ارزش‌های اخلاقی و مفهوم شفافیت که همگی از عالم تصور و خیالی متعالی به برداشت‌های شکلی ظریف و ملموس نگاه دارند، در زیرمجموعه «پیوندهای معنایی» قرار می‌گیرند.

۴-۱- پیوندهای معنایی: آدمی در محافل اجتماعی و در انجام فعالیت‌های جمعی قصدی جز پربار شدن یا بیش از دیروز یافتن خود ندارد. این تلاش‌ها بعدهایی گوناگون دارد و آنگاه که دل و جان آدمی، آماده پذیرش انگیزه‌هایی می‌شود که وی را به آفرینش‌هایی وامی‌دارد، فضای ادراکی و ذهنی آدمی به کار می‌آید و اثری متعالی را خلق می‌کند. در حقیقت امر، گستره یا گردونه حرکت‌های متعالی آدمی چیزی که پی گرفته تا پرثمرش بدارد را باز می‌شناساند؛ از طرفی دیگر شکل و صورت هرنمایی یادآور بارهای معنایی متفاوتی است که بر ذهن آدمیان تأثیر می‌گذارد و پیوندهای معنایی را تشکیل می‌دهد و خود ساختمان را با مفهوم و معنای آن مترادف می‌کند؛ یعنی مصداق و مفهوم به یگانه شدن میل می‌کنند و سبب می‌شوند تا بار هنری و اخلاقی معماری تصویری نمادین بیابد. معمار سنتی به وسیله پیوندهای معنایی با محیط‌های فرهنگی- اجتماعی خود ارتباط برقرار می‌کند و به این‌گونه است که راه دسترسی و دست‌یابی به عالم معنا را هموار می‌نماید. در مسکن سنتی معمار با اهمیت دادن به پیوندهای ذهنی شامل الگوهای هنری و ارزش‌های اخلاقی، زیبایی و کارایی می‌آفریند، یعنی سخت‌ترین موجودیت‌ها را برای ایجاد ظریف‌ترین معناها به کار می‌گیرد و از طریق آفرینش ترکیب‌های نو و بدیع، شکل‌های رایج برنشسته و معمول در فضای خانه‌های سنتی را تغییر داده و از این راه مفاهیمی نو را به میدان تجربه ساکنین مسکن سنتی باز می‌نماید.

۴-۲- پیوندهای محیطی: محیط طبیعی در تمامی جنبه هایش در شکل گیری کالبد معماری مؤثر است. رنگ، نور، مواهب طبیعی، طبیعت و... نسبت به الهامی که از محیط طبیعی می گیرند، می توانند بر شکل گیری کالبد معماری اثرگذاری کنند. به بیان دیگر معماری در بستر محیط طبیعی زندگی آغاز کرده و تجربه اندوخته است (همان: ۳۸۲). پیوندهای محیطی در مسکن سنتی، ابعاد ملموس و روزمره‌ای از پدیده‌های محیطی را به میان می آورند که از نزدیک و به مقیاس‌های کوچک بنا را زنده و کارا نگه می دارند.

۴-۳- پیوندهای ساختاری: هنگامی که محتوای جدیدی در درون کالبد معمارانه‌ای قرار می گیرد و سعی می کند که بر روحیه‌ها و رابطه‌های آدمیان تأثیر گذارد، ساختار بدیعی ایجاد می شود. این امر ابداعی از ویژگی‌های اصیل آفرینش معماری است و با ساختمان‌سازی معمولی تفاوت دارد (همان: ۳۸۰). در مسکن سنتی ایران، الگوهای ساختاری شامل بهره‌گیری از هندسه و تناسب، شفافیت، وجود سلسله مراتب حرکتی و انعطاف‌پذیری با شکل‌های به کار رفته بر پیکره کالبدی بنا در هم آمیخته‌اند و جداسازی آن‌ها برای بیننده امری دشوار و در نگاه نخست ناممکن می‌نماید. انگیزه‌های معماران سنتی در به‌کارگیری این ساختارهای خاص در مسکن سنتی را می‌توان نشانه‌ای از خواسته قوی آنان برای اظهار کردن و عنوان داشتن مفهومی دانست که در شکلی که برایش آفریده شده به یگانگی با ساختار رسیده است. این امر در مسکن سنتی ایران آنچنان پرتوان و درخشان تحقق پیدا کرده که ماندگار شده و همزمان به ساختار و به شکل معماری باری نمادین داده است.

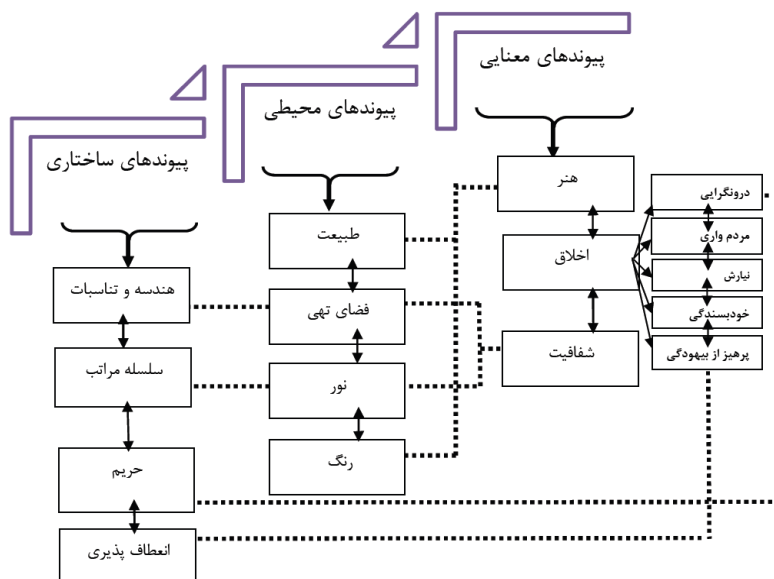


جدول ۳: سؤال و فرضیه مورد نظر و تحلیل الگوهای دریافتی برای دسته‌بندی در زیرمجموعه مؤلفه‌های هویت اسلامی، مأخذ: نگارنده

سؤال	فرضیه	الگوهای هویت اسلامی	تحلیل الگو	مؤلفه‌های هویت اسلامی
مؤلفه‌های هویت اسلامی در مسکن سنتی چیست و چه رابطه‌ای با یکدیگر دارند؟	بر اساس آیات قرآن و روایات معصومین (به طور مستقیم و غیر مستقیم) درباره مسکن و محل زندگی، الگوهای هویت اسلامی مشخص و رابطه میان آنها بر اساس بازشناسی مؤلفه‌های هویت اسلامی در بافت می‌باشد.	الگوی هنر در مسکن	آفرینش ترکیب‌های نو و بدیع برای خلق زیبایی	پیوندهای معنایی
		الگوی اخلاق در مسکن	ارج نهادن به ارزش‌های اخلاقی برای ایجاد ظریف‌ترین معناها	پیوندهای معنایی
		الگوی شفافیت در مسکن	به کارگیری گستردگی دید در فضا و افزایش نور برای ایجاد یگانگی در ساختار	پیوندهای معنایی
		الگوی نور در مسکن	بهره‌گیری از نقش کاربردی و زیبایی‌شناسی نور	پیوندهای محیطی
		الگوی رنگ در مسکن	بهره‌گیری از مصالح مختلف با رنگ‌های گوناگون برای افزایش تنوع	پیوندهای محیطی
		الگوی طبیعت در مسکن	استفاده از طبیعت برای بهبود ناسازگاری‌های اقلیمی و افزایش طراوت	پیوندهای محیطی
		الگوی فضای تهی	توجه به هویت فضای خالی برای ایجاد تمایز میان محیط ساخته شده و محیط دست نخورده	پیوندهای محیطی
		الگوی هندسه و تناسبات	ایجاد ایجاد ساختار بدیع و نظام مند برای خلق محتوای جدید در کالبد معمارانه	پیوندهای ساختاری
		الگوی سلسله مراتب در مسکن	توجه به سلسله مراتب حرکتی برای نمایان کردن نظم و هدفمندی مسیر	پیوندهای ساختاری
		الگوی حریم در مسکن	توجه به ارزش اخلاقی و اسلامی «محرمیت» برای ایجاد آرامش روحی	پیوندهای ساختاری
الگوی انعطاف‌پذیری در مسکن	ایجاد تنوع‌پذیری، تطبیق‌پذیری و تغییرپذیری در ساختار	پیوندهای ساختاری		

چنانچه میان مؤلفه‌های دریافت شده از هویت اسلامی، اولویت‌بندی صورت گیرد، می‌توان «پیوندهای ساختاری» را به لحاظ تأثیر مستقیمی که بر شیوه زندگی افراد دارد در پایین‌ترین سطح، «پیوندهای محیطی» را به دلیل اینکه وجودشان، کالبد مسکن را زنده و کارا نگاه می‌دارد و رابطه بینابینی با ساختار و معنا ایجاد می‌کند در سطح وسط و «پیوندهای معنایی» را از این جهت که پس از تحقق پیوندهای ساختاری و محیطی رخ می‌دهد، با عالم متعالی ارتباط برقرار می‌کند و برای ایجاد معانی هوشمندانه و ظریف در مسکن به کار می‌رود، در بالاترین سطح قرار داد. این اولویت بندی تنها از لحاظ اهمیت شکل‌گیری و تا حدودی تقدم و تأخر زمان تحقق یافتن آن در مسکن سنتی انجام شده است؛ بدین معنا که در مسکن سنتی ابتدا مؤلفه‌های ساختاری هویت اسلامی در نظر گرفته می‌شد، سپس مؤلفه‌های محیطی و در نهایت مؤلفه‌های معنایی که ناشی از حقیقت برتر فطری و درونی انسان بود و انسان

سنتی به وسیله نزدیکی بیشتر با دین، پیوند محکمی میان معنا و کالبد مسکن ایجاد می‌کرد و مسکن سنتی را به کمال غایی خود می‌رساند. هرچند در بسیاری موارد مؤلفه‌های ساختاری و محیطی در یک راستا و همزمان شکل می‌گرفت و هر دو در جهت نیل به مؤلفه‌های معنایی خلق می‌شدند. بنابراین طبق نمودار تمامی زیرگروه مؤلفه‌های هویت اسلامی با یکدیگر همپوشانی داشتند و از هم تفکیک ناپذیر بودند. هندسه و تناسب در مسکن به غیر از اینکه با سلسله مراتب، حریم و انعطاف‌پذیری در ارتباط بود، با نحوه شکل‌گیری فضای تهی و ارتباط آن با فضای پر رابطه داشت؛ از طرفی دیگر سلسله مراتب با نور، حریم با درونگرایی و انعطاف‌پذیری (استفاده از ظرفیت‌های خالی فضای سکونتی و حذف فضاهای بلااستفاده و تک‌عملکردی) با پرهیز از بیهودگی که از جزء زیرگروه‌های ارزش‌های اخلاقی بود، پیوند می‌یافت. همچنین فضای تهی یا همان کم کردن توده در مسکن به همراه الگوی نور باعث تحقق شفافیت در مسکن می‌گردید. رنگ، نور، فضای تهی و طبیعت نیز تماماً به تحقق الگوی هنر در مسکن باری می‌رساندند. این مطلب نشانگر رابطه عمیق و تنگاتنگ میان ۳ مؤلفه ساختاری، محیطی و معنایی است و بدین شکل است که الگوهای هویت اسلامی ابتدا در ساختار شکل می‌گیرند، سپس در محیط قوام می‌یابند و در نهایت با پیوندهای معنایی متعالی می‌گردند. نمودار زیر نشانگر اولویت‌بندی مؤلفه‌های هویت اسلامی و ارتباط بین زیرگروه‌های هریک است.



۵- نتیجه

در این مقاله مؤلفه‌های هویت اسلامی در مسکن سنتی بر اساس آیات و روایات در ۶ الگوی مفهومی و ۵ الگوی کالبدی بررسی گردید. نتایجی که از این پژوهش به دست آمده می‌تواند به عنوان الگو و راهکارهایی برای بازآفرینی هویت دینی در مسکن معاصر مطرح شود:

* راهبردهای بازآفرینی هنر در مسکن معاصر با بخشیدن رنگ معنویت و دادن بعد ملکوتی به فضای داخل خانه، کاستن از یکنواختی و تقویت چشم‌انداز، ایجاد موجودیتی متفاوت میان درون و بیرون خانه محقق می‌گردد.

* بازآفرینی اخلاق در مسکن معاصر با تدوین مقررات اخلاقی یا آیین نامه اخلاق حرفه‌ای و اسلامی برای معماران، مردم‌واری و توجه به ارزش‌های انسانی، مهمان‌نوازی و رفع نیازهای انسانی، پرهیز از بیهودگی و اسراف در خانه‌سازی و رعایت عدالت و مساوات، تقویت درون‌گرایی در خانه توجه به استحکام و نیارش در بنا و بهره‌گیری از مصالح مناسب و بوم‌آورد در منطقه ایجاد می‌شود.

* طبیعت در مسکن معاصر با ارتباط مستقل آن در فضای خصوصی خانه، پوشیده‌تر شدن فضاهای باز برای القای حس احاطه و بهره‌برداری کامل از مواهب طبیعی مانند نور خورشید، آسمان، باد، باران، سرما، گرما و همچنین توجه به حضور آب و گیاه در خانه انجام می‌گیرد.

* بازآفرینی نور در مسکن معاصر یعنی روح بخشیدن به فضا و ایجاد کیفیت خاص در فضای خانه و تقویت جنبه نوری در خانه از طریق توجه به کاربرد نور طبیعی که با سیاست‌های عنوان شده در متن ایجاد می‌گردد.

* رنگ در مسکن معاصر به دلایل افزایش جذابیت، یکپارچگی و در عین حال تنوع بیشتر در فضای داخلی خانه دادن تشخیص به فضا از طریق استفاده از الگوهای رنگ استفاده از تضادهای رنگی بیشتر بهره‌گیری از خاصیت رنگ‌ها صورت می‌گیرد.

* در بازآفرینی شفافیت در مسکن معاصر بایستی به‌کارگیری شفافیت در عین رعایت حریمیت در خانه، گستردگی دید و چشم‌انداز، تعادل میان «فضا» و «توده» در خانه و رعایت صور ظاهری اصل شفافیت توجه نمود.

* در خانه‌های سنتی جهت‌گیری غالب خانه‌ها در راستای رزون راسته و همان جهت قبله می‌باشد. ولیکن این وضعیت در خانه‌های معاصر دستخوش تغییر گردیده است. به طوری‌که جهت‌گیری غالب در راستای شمال به جنوب و یا شمال غربی- جنوب شرقی (رون اصفهانی) می‌باشد. لذا با توجه به احیای مفاهیم اسلامی در مسکن معاصر این مسئله بایستی مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

* در اثر حذف حیاط مرکزی در خانه‌های امروزی، «اصل مرکزیت» از بین رفته و در عوض با حیاط‌های یکطرفه جایگزین شده است. این مسئله سلسله مراتب و ورود به خانه را دچار اختلال کرده است. فضای

«مکت موقت» یعنی هشتی و فضای «حرکت خطی» باعث از میان رفتن قدرت انتخاب آدمی و تفکر و اندیشیدن روحانی در بدو ورود شده و انسان را به یکباره در درون خانه قرار می دهد. در عین حال حرکت در فضا و ترکیب فضایی بسیار محدود است و جهت مشخص وجود ندارد. بدین منظور احیای سلسله مراتب حرکتی در خانه های معاصر از اهمیت بالایی برخوردار است.

* در مسکن معاصر حریم ها نامشخص است و اجزا دارای استقلال عمل نیستند. همین مسئله ابعاد حریم در خانه را نیز خدشه دار کرده است. در خانه های سنتی فضای نیمه باز به عنوان فضای «گذار» و ارتباط دهنده دو فضای باز و بسته مطرح می شود و فضاهای بسته به واسطه فضاهای نیمه باز با فضای باز ارتباط هستند؛ ولیکن در خانه های امروزی فضای «گذار» ماهیت خود را از دست داده و فضای باز یا تهی در خانه بیشتر تبدیل به یک فضای عبوری شده و به خودی خود واجد هویت نیست. در عوض در خانه های معاصر رفتار با فضا عموماً در دو زمینه مطرح است: رفتار با فضای باز خصوصی و آنچه حیاط نام گرفته و رفتار با فضای بسته خصوصی که قسمت ساخته شده یعنی بنا را شامل می شود. برای اصلاح این وضعیت و هویت بخشی به هر سه گروه فضایی در خانه های معاصر بایستی فضای تهی در خانه های سنتی و معاصر مورد بررسی تطبیقی قرار گیرد و تا حد امکان الگوهای به کاررفته در مسکن سنتی بازآفرینی شود.

* هدف از انعطاف پذیری در مسکن، رسیدن به سیستمی است که بتوان به وسیله آن فعالیت را از یک فضا به فضای مناسب دیگری انتقال داد. بنابراین برای اینکه برخی از فضاهای موجود در مسکن امروزی را حذف و در راه کوچک سازی فضاها قدم برداشت، بایستی فعالیت های مختلفی را در یک فضا گنجانده و برای هر فعالیت به طور مجزا فضایی را در نظر گرفت؛ البته فعالیت هایی در یک فضا انجام می شوند که هم سنخ و با یکدیگر در تضاد نباشند.

* برای افزایش انعطاف پذیری در مسکن معاصر دو راهبرد استفاده از ظرفیت های خالی فضاهای سکونت و کاهش فضاهای تک عملکردی با توجه به تجربیات خانه های سنتی توصیه می گردد.

منابع

قرآن کریم.

آشتیانی، احمد (۱۳۹۰)؛ ۱۱۷ حدیث از مکارم اخلاق، تصحیح و تحقیق محسن آشتیانی، تهران، هفته.

ابن بابویه القمی، محمد بن علی (۱۳۷۷)؛ متن و ترجمه معانی الاخبار، عبدالعلی محمدی شاهرودی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۸)؛ پاداش نیکبها و کیفر گناهان، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، محمدعلی مجاهدی، قم، سرور.

ابن عمر، مفضل (۱۳۸۸)؛ توحید مفضل (شگفتی‌های آفرینش از زبان حضرت امام صادق علیه السلام)، احمد پانیپور، مشهد، ضامن آهو، نورالکتاب.

ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۳۸۷)؛ آداب راز و نیاز به درگاه بی‌نیاز، یا ترجمه عده الداعی و نجاح الساعی همراه با شرح اسماء الله، ترجمه و تحشیه محمد حسین نائیجی، قم، آیت اشراق.

ابن بابویه القمی، محمد بن علی (۱۳۶۳)؛ الخصال، با مقدمه و ترجمه و تصحیح احمد فهری زنجانی، تهران، علمیه اسلامیة.

حجت، عیسی (۱۳۸۴)؛ هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز، تأملی در رابطه با هویت و معماری، نشریه هنرهای زیبا، ۲۴، ۶۲-۵۵.

حجت، مهدی (۱۳۷۸)؛ واقعیت ریشه آفرینش اثر هنری، فصلنامه هنر، ۳.

سیدرضی (شریف رضی)، محمد بن حسین (۱۳۹۰)؛ نهج البلاغه، سیدجمال الدین دین پرور، تهران، بنیاد نهج البلاغه.

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۲۶۰)؛ تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل المسائل الشریعه، محمدعلی بن محمد بن عبدالله بن حسین بن احمد الشویکی الخطی.

الصحیفه السجادیة، از مناجات امام زین العابدین علیه السلام (۱۳۸۲)؛ با مقدمه محمدجواد مغینه، قم، شهریار.

طوسی، محمد بن حسن، ترجمه امالی شیخ طوسی، صادق حسن زاده، قم، اندیشه هادی.

فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۱)؛ ریشه ها و گرایش های نظری معماری، تهران، نشر فضا.

کلینی، محمد بن یعقوب اسحاق (۱۳۸۱)؛ بهشت کافی (ترجمه روضه الکافی)، حمیدرضا آژیر، قم، سرور.

کلینی، محمد بن یعقوب اسحاق (۱۳۸۹)؛ تحفه الاولیاء (ترجمه اصول کافی)، محمد علی بن محمد حسن الاردکانی، قم، دار الحدیث.

کلینی، محمد بن یعقوب اسحاق (۱۳۹۱)؛ گزیده اصول کافی، محمد مهدی رضایی، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶)؛ بحار الانوار، ابوالحسن موسوی همدانی، تهران، اصلاحی.

نصر، سید حسین (۱۳۸۰)؛ معرفت و معنویت، دفتر پژوهش و سهروردی.

نقره کار، عبدالحمید (۱۳۸۷)؛ درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، ناشر شرکت طرح و نشر پیام سیما، وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر معماری و طراحی شهری.